

بررسی افسانه‌ها، قصه‌ها و متل‌های کردی ایلامی از دیدگاه گریماس

علی حسن سهراب نژاد (نویسنده مسئول)^۱؛ نگار نوری^۲

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۰۶ اردیبهشت ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۵ بهمن ۱۴۰۱؛ صص. ۱-۱۷

DOI: <https://doi.org/10.34785/J09.2022.001>

چکیده

کوتاه

نده‌های زووانی، به‌شیک یه فولکلور و میراث سنت‌های داستانی و غیرداستانی مردمان گذشته است. ایلامیان به عنوان بخشی از مردم کُرد، با تمدنی کهن و گنجینه‌ای از فرهنگ بکر شفاهی دارای متل‌ها و قصه‌های دیرینه هستند که مدتی است ثبت آنها مورد توجه محققان و پژوهشگران حوزه ادب عامه قرار گرفته است. امروزه نقدهای زیادی وجود دارد که بر کارکردهای ساختاری استوارند. ساختارگرایان همواره در پی آن بودند که به الگوهای دست یابند تا به کمک آنها، قصه‌ها را مورد بررسی قرار دهند. هدف از این پژوهش، بررسی افسانه‌ها، داستان‌ها و متل‌های کردی ایلام براساس نظریه گریماس است. به دلیل فقدان پژوهش علمی درباره این موضوع و لزوم بررسی ساختاری و شهرت زیاد این نظریه، سعی شده است به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که باز نمود بررسی افسانه‌ها، قصه‌ها و متل‌های ایلامی بر اساس نظریه گریماس چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال، با روش کتابخانه‌ای، ۱۲۷ متل مکتوب از ۵ کتاب موجود در این زمینه، انتخاب شده‌اند و سپس با الگوی تقابل‌های دوگانه و زنجیره‌های سه‌گانه گریماس ارزیابی شده‌اند. نتیجه این بررسی، نشان‌دهنده وجود شش کنشگر در متل‌ها است. از نظر حضور و عدم حضور شخصیت‌ها، سیزده گروه را می‌توان مشخص کرد. در بعضی از قصه‌ها، یک یا چند کنشگر غایبند که فرستنده، بیشترین بسامد را از این نظر داراست. در دسته‌بندی انواع شخصیت‌ها، مردان بیشترین کاربرد و مخلوقات، کمترین کاربرد را دارند. زنجیره‌های روایی گریماس نیز در تمام متل‌ها دیده می‌شوند.

نده‌های زووانی، به‌شیک یه فولکلور و میراث سنت‌های داستانی و غیرداستانی مردمان گذشته است. ایلامیان به عنوان بخشی از مردم کُرد، با تمدنی کهن و گنجینه‌ای از فرهنگ بکر شفاهی دارای متل‌ها و قصه‌های دیرینه هستند که مدتی است ثبت آنها مورد توجه محققان و پژوهشگران حوزه ادب عامه قرار گرفته است. امروزه نقدهای زیادی وجود دارد که بر کارکردهای ساختاری استوارند. ساختارگرایان همواره در پی آن بودند که به الگوهای دست یابند تا به کمک آنها، قصه‌ها را مورد بررسی قرار دهند. هدف از این پژوهش، بررسی افسانه‌ها، داستان‌ها و متل‌های کردی ایلام براساس نظریه گریماس است. به دلیل فقدان پژوهش علمی درباره این موضوع و لزوم بررسی ساختاری و شهرت زیاد این نظریه، سعی شده است به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که باز نمود بررسی افسانه‌ها، قصه‌ها و متل‌های ایلامی بر اساس نظریه گریماس چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال، با روش کتابخانه‌ای، ۱۲۷ متل مکتوب از ۵ کتاب موجود در این زمینه، انتخاب شده‌اند و سپس با الگوی تقابل‌های دوگانه و زنجیره‌های سه‌گانه گریماس ارزیابی شده‌اند. نتیجه این بررسی، نشان‌دهنده وجود شش کنشگر در متل‌ها است. از نظر حضور و عدم حضور شخصیت‌ها، سیزده گروه را می‌توان مشخص کرد. در بعضی از قصه‌ها، یک یا چند کنشگر غایبند که فرستنده، بیشترین بسامد را از این نظر داراست. در دسته‌بندی انواع شخصیت‌ها، مردان بیشترین کاربرد و مخلوقات، کمترین کاربرد را دارند. زنجیره‌های روایی گریماس نیز در تمام متل‌ها دیده می‌شوند.

واژگان کلیدی: روایت‌شناسی؛ نظریه گریماس؛ ادبیات عامه؛

زنجیره‌های روایی؛ متل‌های کردی ایلام.

۱- مقدمه

اندیشه‌های فردینان دوسوسور را می‌توان آغازگر نقد ساختارگرایی دانست. پس از وی متفکرانی مانند کلود لوی استراوس و رومن یاکوبسن نقش بسیار مهمی در بسط و گسترش ساختارگرایی داشتند و به خوبی پیداست که در قرن گذشته، گرایش نظری غالب و مؤثر در علوم انسانی و اجتماعی، اصالت ساخت یا ساخت‌گرایی^۱ بوده است. حوزه فولکلورشناسی نیز متأثر از این نظر غالب بوده است، طوری که مکتب‌ها و روش‌های گوناگونی در تجزیه و تحلیل‌های ساخت‌گرایانه در

1. Structuralism.

sohrabnejad23@gmail.comnegara.nuri1995@gmail.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

فولکلور پدید آمده است (بدره‌ای، ۱۳۸۶: هفت). «روایت‌شناسی (اصطلاحی که نظریه‌پرداز فرانسوی-بلغاری تبار تزوتان تودوروف در سال ۱۹۶۹ ابداع کرد)، عنوانی است که به مطالعه ساختارگرایانه روایت اطلاق می‌شود» (پاینده، ۱۳۹۸، ۱۴۹). به عبارت دیگر روایت‌شناسی ارمغان ساختارگرایی است. نقدهای روایت‌شناسانه که توسط ولادیمیر پراپ، تزوتان تودوروف، ژرار ژنت، رولان بارت و گریماس شکل گرفتند هریک روشی برای نقد و تحلیل متون به شمار می‌رود. گریماس از جمله ساختارگرایانی بود که پژوهش پراپ را مبنا قرار داد. «وی با مطالعه معناشناسی و ساختارهای معنا توانست فرضیه مدلی کنشی را ارائه دهد. گریماس، الگوی معناشناسی خود را بر کنش روایت بنیان گذاشت و کوشید آن را در نظام نشانه‌شناسی بسنجد» (علوی مقدم و پورشهرام، ۱۳۸۷: ۱۰۹). «هدف گریماس آن است که با بهره‌گیری از تحلیل معنایی ساخت جمله، به دستور زبان جهانی روایت دست یابد» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۱۴۳). گریماس به شیوه پراپ شکل عملی‌تری بخشید. او هفت نقش پراپ را به شیوه ساختارگرا، در سه گروه دوتایی‌های متضاد خلاصه کرد.

فولکلور ریشه در بطن جامعه دارد و اگر بخواهیم رفتار، عقاید و نوع جهان‌بینی مردم یک جامعه را بررسی کنیم، باید نیم‌نگاهی به ادبیات فولکلوریک آن جامعه بیندازیم. در ایران، غالباً ادبیات فولکلوریک به صورت منظوم (ترانه، دوبیتی، لالایی، متل، چیستان و...) و مثنوی (حکایت، افسانه) تبلور یافته است. شهر ایلام نیز با قدمت طولانی خود، دارای متل‌ها و قصه‌هایی دیرینه‌ای است که امروزه افرادی به جمع‌آوری آنها کوشیده‌اند. برای این پژوهش، پس از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مواد تحقیقی، با استفاده از روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از روش‌های آماری و ارائه جدول و نمودار، به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداختیم. برای تحلیل متل‌ها از روش روایت‌شناسی و تحلیل ساختاری گریماس استفاده شده است. بدین صورت که تعدادی از متل‌های کردی مکتوب ایلام از ۵ کتاب انتخاب شده و مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. معمولاً تحلیل‌های روایی که مبتنی بر ساختارگرایی است، ابتدا با انتخاب تعدادی روایت آغاز می‌شود و در ادامه، عمل تجزیه و تحلیل روی آنها انجام می‌گیرد. در ۵ کتاب ۲۶۶ متل وجود دارد که ۸۷ متل از آنها تکراری است. هدف از پژوهش حاضر آن است که نشان دهد این قصه‌ها و متل‌ها به رغم قدمت و سادگی آنها، دارای الگوی ساختاری روایت کاملی هستند و در قالب نظریه کنشی گریماس می‌توان آنها را بررسی و ارزیابی کرد. به همین سبب ترتیب ساختار روایی آنها با دیدی علمی مورد واکاوی قرار گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

در زمینه روایت‌شناسی از منظر گریماس پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. کاسی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختار داستان پادشاه سیاه پوش از منظر بارت و گریماس» به بررسی ساختار داستان مذکور از منظر رمزگان‌های بارت، رمزگان کنشی و روایی گریماس پرداخته و به این نتیجه رسیده است که می‌توان بر اساس نظریه گریماس ظرفیت‌های بالقوه متن را بالفعل کرد. درپر و یاحقی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به نام «تحلیل روابط شخصیت‌ها در منظومه لیلی و مجنون نظامی از الگوی گریماس» استفاده کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که بر اساس این الگو، خواننده با ذهنیت روشن می‌تواند روابط و مناسبت‌های شخصیت‌ها را دنبال کند. مشیدی و آزاد (۱۳۹۰) «الگوی کنشگر در برخی روایت‌های کلامی مثنوی معنوی بر اساس نظریه الگوی کنشگر گریماس»، برخی از روایت‌های دفتر اول و دوم مثنوی معنوی را برگزیده‌اند تا نشان دهند که در رویارویی روایت‌های کلامی با

الگوی کنشگر به عنوان بحثی از ساختار چه رخ می‌دهد. تأکید این پژوهش بر تغییرهایی است که در نتیجهٔ درون‌مایه کلامی روایت‌ها، به‌ویژه در حوزهٔ کنش بازدارنده و یاری‌رسان رخ می‌دهد. با وجود این پژوهش‌ها، کاری که به بررسی متل‌های کردی ایلامی بر اساس نظریهٔ گریماس انجام شده باشد، صورت نگرفته است؛ بنابراین انجام چنین تحقیقی در این حوزه ضروری می‌نماید.

۳- روایت‌شناسی

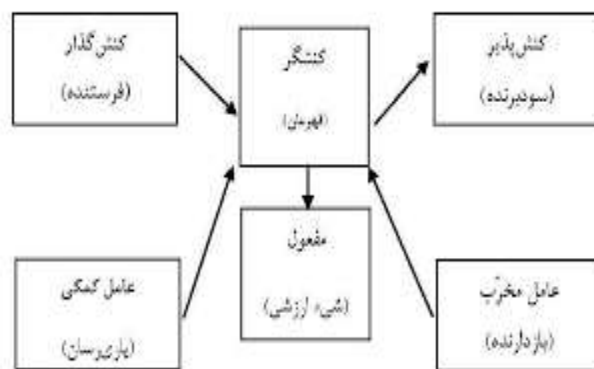
آغازگر بررسی روایت در داستان، جریان فرمالیسم روس است که از دههٔ دوم قرن بیستم بدان پرداخته‌اند. روایت‌شناسی، اصطلاح نظریه‌پرداز فرانسوی بلغاری تبار تزوتان تودروف است که در سال ۱۹۶۹ به کار برده است. این عنوان به مطالعهٔ ساختارگرایانهٔ روایت اطلاق می‌شود (پاینده، ۱۳۹۸: ۱۵۸) و باید آن را ارمغان ساختارگرایی به شمار آورد. «تاریخ علم روایت‌شناسی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱- دورهٔ فرمالیسم روسی یا پیش‌ساختارگرایی (۱۹۱۴ تا ۱۹۶۰)؛ ۲- دورهٔ ساختارگرایی (۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰) و ۳- دورهٔ پس‌ساختارگرایی (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۴۹). تعاریف بسیاری از روایت‌شناسی شده است که به یک مورد اشاره می‌کنیم: «مجموعه‌ای از احکام کلی دربارهٔ ژانرهای روایی، نظام‌های حاکم بر روایت و ساختار پیرنگ است» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۵۰). پس روایت در روایت‌شناسی از دل ساختارگرایی به وجود آمد. روایت‌شناسی با نظریات افرادی همچون پراپ، گریماس و بارت تکامل پیدا کرده است.

۳-۱- گریماس

آلژیرداس جولوس گریماس^۲ زبان‌شناس، ساختارگرا و نشانه‌شناس لیتوانیایی، در کنار کسانی همچون رولان بارت، ژوتان تودورف و کلود برمود، ریخت‌شناسی پراپ را در چارچوب دانش سمیوتیک (نشانه‌شناسی) مورد بررسی قرار دادند (بدره‌ای، ۱۳۸۶: شانزده). پراپ در تحلیل خود، کوچک‌ترین واحد ساختاری قصه‌های پریان را خویشکاری^۳ تعیین کرد و سپس به بررسی چگونگی ترکیب این واحدها پرداخت (همان: هشت). «پراپ معتقد است: هفت شخصیت اساسی یا گسترهٔ کنشی در کل قصه‌ها وجود دارد. او همچنین یادآور می‌شود یک شخصیت می‌تواند بیش از یک نقش داشته باشد. در بعضی قصه‌ها، شخصیت دارای دو نقش یا بیشتر است. پراپ نشان می‌دهد همه رخدادهای دارای ساخت تکرارشونده و دارای کشف است؛ در واقع پراپ یک گرامر از قصه‌های پریان ارائه می‌دهد؛ گرامری که در چهارچوب یک قرارداد در تمام قصه قابل بررسی است» (آذر، ۱۳۹۳: ۳۲). گریماس اعتقاد دارد که ساختار روایت، بسیار شبیه گرامر *Langue* است و کار ما کشف این گرامر با مطالعهٔ داستان مجزا *Parole* است. او معتقد است که داستان‌ها با همهٔ تفاوت‌هایشان از یک گرامر تبعیت می‌کنند. ... نظریات گریماس شکل تعدیل‌یافتهٔ نظریات پراپ است که جنبه‌های کلی‌تری از روایت و ساختار داستان را عنوان می‌کنند (ساداتی، ۱۳۸۷: ۶۰). گریماس به شخصیت به عنوان کنشگر نگاه می‌کند و معتقد است برای پیشرفت روایت و داستان باید شخصیت از کنشی به کنش دیگر برسد. از همین رو شخصیت‌ها و کنش‌های آنان را در تقابل‌های دوتایی بررسی می‌کند. گریماس بر اساس تقابل‌های دوگانه به سه نوع کنشگر در داستان اشاره می‌کند:

2. Algirdas Julius Greimas.

3. Function.



۱- فاعل / مفعول: (کننده کار - واقع شدن کار بر کسی): این تقابل در داستان‌هایی بیشتر نمایان می‌شود که قهرمان به دنبال مقصودی است.

۲- فرستنده / گیرنده: معمولاً در داستان‌هایی نمود دارد که عمل یک شخصیت با عمل شخصیت دیگر مرتبط می‌شود.

۳- یاری‌دهنده / بازدارنده: کسی که به قهرمان کمک می‌کند و در مقابل کسی که بازدارنده قهرمان برای رسیدن به هدف است (آذر، ۱۳۹۳: ۹۳).

گریماس علاقه خاصی به ادبیات عامه دارد. او در بررسی این ادبیات یک ساختار سه‌گانه ایجاد می‌کند. این

ساختار سه‌گانه که برآمده از بیست کارکرد گریماس است، به صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱- ساختار میثاقی: ایجاد و شکستن توافقات یا برقراری و زیرپای گذاشتن ممنوعیت‌ها.

۲- ساختار اجرایی: انجام وظایف، آزمون‌ها و مبارزه‌ها.

۳- ساختار انفصالی یا گسسته: سفر، حرکت، رسیدن و خارج‌شدن‌ها و تمامی انواع جابه‌جایی‌ها را شامل می‌شود (اسکولز، ۱۳۸۳: ۸۵-۱۴۶).

۴- ادبیات داستانی در ایلام

پیداست که قصه و داستان، قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد و درباره شکل‌گیری قصه‌های یک سرزمین و درآمیختگی با قصه‌های سرزمین‌های دیگر، به دشواری می‌توان سخن گفت. ادبیات مکتوب ایلام با وجود داشتن پشتوانه‌ای غنی از ادبیات شفاهی، عمری طولانی ندارد و غالب آثار مکتوب باقیمانده، به شعر اختصاص دارند. با این حال، این آثار، حجم بسیار کمی از ادبیات گذشته ایلام را به خود اختصاص می‌دهند. این وضع در مورد ادبیات مکتوب به مراتب بدتر بوده است. شاید بتوان گفت به جز کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها، یافتن نمونه‌های نثر در ایلام امری دشوار است؛ بنابراین جای تعجبی ندارد که ادبیات داستانی مکتوب در ایلام، پیشینه اندکی داشته باشد. از ادبیات داستانی شفاهی یا همان قصه‌ها و متلهای، جز چند مجموعه کوتاه، شامل تعداد محدودی از قصه‌های ایلام اثر دیگری بدون نشده است (شوهانی و پیکانی، ۱۳۹۵: ۷۲-۶۶). می‌توان گفت از جمله اولین کسانی که به جمع‌آوری متلهای کردی پرداخته‌اند، خداداد ابراهیمی بود که هفت قصه را در کتاب *قصه‌های مردم ایلام* در سال ۱۳۸۳ جمع‌آوری کرد. شه‌وگار زمسانی کتابی از رضا آبی است که در سال ۱۳۹۳ منتشر شد. او نیز همانند خداداد ابراهیمی، کتابش را بر اساس قصه‌های محلی ایلام نگاشته است؛ اما بر خلاف کتاب ابراهیمی، زبان محلی قصه‌های کردی دست‌نخورده

است و قصه‌ها به زبان اصلی‌شان، یعنی کوردی بازگو شده‌اند و از این جهت، بر کار ابراهیمی مزیت دارد. با توجه به غنای داستانی ادبیات عامه در فرهنگ ایلام، جای خالی آثاری از سنخ شه‌وگزار زمسانی به شدت احساس می‌شود. اما مهمترین کتاب در این حوزه کتاب، کتاب *افسانه‌ها، داستان‌ها و متل‌های کردی* است که منصور منصوری مقدم در سال ۱۳۹۸ منتشر کرد و شامل ۱۶۶ متل است که به زبان فارسی برگردانده شده است. از کتاب‌های دیگر می‌توان به کتاب *ده بان بال سیمرخ* اشاره کرد که شامل ۴ متل است که با رسم‌الخط کردی نوشته شده است. این چهار متل را عباس محمدزاده جمع‌آوری کرده و در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسانده است. از کتاب‌های بعدی می‌توان به کتاب‌های: *روزگار قصه (۱۳۹۶)*، *قصه‌های سرزمین میدیا (۱۳۹۳)* و ... اشاره کرد.

۵- بحث و بررسی

۱-۱- الگوی کنشگر گریماس در متل‌های کردی ایلام

چنان‌که نشان داده خواهد شد الگوی گریماس با متل‌های کردی مطابقت بسیاری دارد و این متل‌ها بر اساس نظر گریماس به گونه‌ای علمی و روشمند قابل تحلیل و تشریح هستند. اغلب اجزای این نظریه در داستان‌های مورد بحث قابل پیگیری و ارزیابی است.

- ۱- ملک جمشید (محمدزاده، ۱۳۹۹: ۵۱-۹۰): ملک جمشید به توصیه پدر برای پیدا کردن هفت دختر به سفر می‌رود. فرستنده پادشاه؛ برادران گیرنده، جفتیار، حضرت خضر، سیمرخ یاریگرند و دیو، شبه، پیرزن، دختر کوچک پادشاه بازدارنده هستند.
- ۲- فرشته آتشین (همان: ۲۵-۵۰): کاوه برای پیدا کردن شمع به راه می‌افتد. فرستنده ملا؛ شمع گیرنده؛ ملا یاری‌گر و درخت ساز و آواز بازدارنده هستند.
- ۳- شالان دالان (همان: ۹۴-۹۱): پسر برای دیدن پدر و مادر می‌رود. شالان و دالان یاریگرند؛ خواهر بازدارنده است.
- ۴- اسپ لیوه (همان: ۹۵-۹۸): پسر برای آوردن اسب شکرخان می‌رود. فرستنده وزیر؛ بچه‌های اسب شکرخان گیرنده؛ مرد دانا یاریگر و اسب دیوانه بازدارنده است.
- ۵- پادشاه و مرد دانا (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۸): پادشاه برای جلوگیری مرگ پسر، او را به کوه می‌فرستد. یاری‌دهنده پرنده و مرد بازدارنده است.
- ۶- طلا و بلا (همان: ۲۶-۳۳): طلا برای رسیدن پشم می‌رود. فرستنده نامادری؛ طلا گیرنده؛ دیو نیز یاریگر و بازدارنده است.
- ۷- پیرزن و گربه (همان: ۳۹-۴۳): گربه برای بردن بز به صحرا می‌رود. پیرزن فرستنده؛ گرگ گیرنده؛ چنار و آهنگر یاریگر هستند.
- ۸- دختر کلاغ (همان: ۵۱-۵۷): هدف دختر زنده ماندن است. فرستنده پدر؛ گیرنده دختر؛ کلاغ یاریگر؛ کنیز بازدارنده است.
- ۹- سکنه (همان: ۶۲-۶۶): سکنه برای رسیدن خانواده می‌رود. فرستنده غاتگران؛ گیرنده مادر سکنه؛ دوستان یاریگر و دیو بازدارنده است.
- ۱۰- کچلک (همان: ۷۵-۸۳): هدف کچلک زنده ماندن است. فرستنده نامادری؛ گیرنده کچلک؛ برادر یاریگر و کنیز بازدارنده است.

- ۱۱- مرحله (همان: ۸۸-۹۳): مرحله برای یادگرفتن خانه‌داری نزد دانشمند می‌رود. دانشمند یاریگر؛ گیرنده مرحله و همسرش هستند.
- ۱۲- میرغضب (همان: ۹۷-۹۹): هدف میرغضب پیدا کردن جواب اینکه جایگاهی در آخرت دارد؟ گیرنده میرغضب؛ یاری‌دهنده سگ است.
- ۱۳- هفت برادر (همان: ۱۱۷-۱۲۶): هدف تاج‌بانو رفتن نزد برادران و زندگی کردن است. فرستنده کلاغ؛ گیرنده برادران؛ کلاغ و ملا یاریگر؛ دیو بازدارنده است.
- ۱۴- دیو و دلبر (عزیزنیا، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۷): هدف پسر نجات از دست دیو و نجات دختر است. فرستنده دیو؛ گیرنده دختر؛ مورچه‌ها و شیر یاریگر، گروگانان بازدارنده هستند.
- ۱۵- صبر (همان: ۱۷-۱۹): هدف مرد رفتن پیش خانواده و عشق به خانواده است. عشق فرستنده؛ مرد خانواده گیرنده؛ پیرمرد یاریگر راهزنان و هوای بارانی بازدارنده هستند.
- ۱۶- خاله خاتون (همان: ۲۱-۲۶): هدف پسر آوردن شیر دیو و صندوق و همچنین نجات مادر است. خاله خاتون فرستنده؛ همسران شاه گیرنده؛ حضرت خضر یاریگر و دیوها بازدارنده هستند.
- ۱۷- میشی که شغال را گول زد (همان: ۲۷-۲۶): هدف میش پس گرفتن حق خود از شغال است. گیرنده میش، سگ یاریگر و شغال بازدارنده است.
- ۱۸- معلم و کشاورز (همان: ۲۸-۳۰): هدف معلم خلاصی از زندان است. گیرنده معلم؛ زن یاریگر و بازدارنده دزدان هستند.
- ۱۹- فقیری که پادشاه شد (همان: ۳۲-۳۶): هدف مرد به دست آوردن پول است. فرستنده فقر؛ گیرنده مرد؛ باز یاریگر و پسر شاهزاده-گرگ بازدارنده هستند.
- ۲۰- دیو بدجنس و دختر شجاع (همان: ۴۲-۳۶): هدف دختر شجاع پیدا کردن دوا برای چشم پدر است. فرستنده کیمیاگر؛ پدر دختر شجاع گیرنده؛ پیرزن دختران یاریگر و دیو بازدارنده هستند.
- ۲۱- فرخ‌لقا (همان: ۴۴-۴۳): هدف شاهزاده چین نجات فرخ‌لقا از دست دیو است. فرستنده پدر فرخ‌لقا، فرخ‌لقا و شاهزاده گیرنده، پیرمرد یاریگر و خروس و دیو بازدارنده هستند.
- ۲۲- نریمان و سالار (همان: ۴۶-۴۴): هدف سالار بهبودی پدر است. گیرنده سالار و حکیم یاریگر است.
- ۲۳- زهر شیرین (همان: ۵۰-۴۸): هدف بیمار بهبودی مریضی است. گیرنده فرد بیمار، چوپان و مار یاریگر هستند.
- ۲۴- کر و لال (همان: ۵۲-۵۱): هدف دختر عمل به نصیحت مادر است. بازدارنده زن دوم است.
- ۲۵- نامدار (همان: ۵۶-۵۲): هدف نامدار رفتن به دنبال کار است. گیرنده حاکم و مردم هستند.
- ۲۶- چهل گیسو (همان: ۵۸-۵۵): هدف تیغ الماس پیدا کردن چهل گیسوست. فرستنده عشق؛ تیغ الماس و چهل گیسو گیرنده؛ پیرزن و پیرمرد وزیر یاریگر و دیو بازدارنده است.
- ۲۷- هَلکوت بکوت (همان: ۶۲-۶۱): هدف مرد به دست آوردن پول است. فرستنده فقر؛ مار یاریگر؛ پادشاه و مرد حسود بازدارنده هستند.

- ۲۸- روباه و فرجی (همان: ۶۵-۶۲): هدف روباه، نجات یافتن است. فرستنده: کلاغ؛ گیرنده: روباه؛ فرجی: یاریگر است.
- ۲۹- عقده‌لاسه تمه‌ل (همان: ۷۰-۶۵): هدف دختر، تربیت کردن شوهر و اثبات حرفش است. فرستنده: پدر؛ گیرنده: عبدالله است.
- ۳۰- گوهرخانم (همان: ۷۱-۷۰): هدف گوهر، به دست آوردن غذا است. گیرنده: گوهر، الاغ؛ یاریگر و مادر شوهر: بازدارنده است.
- ۳۱- دیو و دختر ساده‌لوح (همان: ۷۴-۷۱): هدف دختر، جمع کردن گیاهان دارویی است. گیرنده: دختر، بزغاله، مردم: یاریگر و دختران؛ دیو: بازدارنده است.
- ۳۲- برزو (همان: ۸۰-۷۴): هدف قهرمان (برزو)، نجات دختر از دست دیو است. فرستنده: سیمین، دختر شاه پریان و گیرنده: برزو؛ سیمین: یاریگر و بازدارنده: دیو است.
- ۳۳- دارکوب یک چشم (همان: ۸۴-۸۱): هدف غلام پیدا کردن آذوقه برای گوسفندان است. گیرنده: غلام؛ و یاریگر: دارکوب است.
- ۳۴- شه‌مگ و برانازار (همان: ۹۱-۸۸): هدف شمک و برانازار به دست آوردن علم است. فرستنده: مادر بزرگ و گیرنده: شه‌مگ و برانازار هستند.
- ۳۵- دندان تَلا (همان: ۹۶-۹۱): هدف دندان طلایی زنده ماندن و فرار از دست دیو است. گیرنده: دندان طلایی؛ پسرپادشاه: یاریگر و دیو بازدارنده است.
- ۳۶- احمد خارکش (همان: ۱۱۱-۱۰۸): هدف ملک جمشید فرار از دست مرد یهودی و پیدا کردن کار است. یاریگر: پرنده‌ها و مرد یهودی و نهنگ؛ بازدارنده هستند.
- ۳۷- شکارچی ازدها (همان: ۱۱۸-۱۱۶): هدف الماس و قیطاس رفتن به شکار است و بازدارنده: ازدهاست.
- ۳۸- گل قهقهه (همان: ۱۲۳-۱۱۸): هدف احمد به دست آوردن روزی است. فرستنده: فقر؛ گیرنده: احمد؛ و یاریگر: گل قهقهه است.
- ۳۹- یتیم خوش‌اقبال (همان: ۱۲۶-۱۲۸): هدف دختر، خلاص شدن از دست نامادری است. فرستنده: دوستان؛ گیرنده: دختر؛ دوستان سفره بی‌بی سه‌شنبه: یاریگر.
- ۴۰- سلیم (همان: ۱۳۶-۱۲۸): هدف سلیم، به دست آوردن پول و کامیابی است. گیرنده: مردم شهر - زندانیان در غار؛ یاریگر: پیرمرد در خواب؛ و ازدها - چوپان: بازدارنده هستند.
- ۴۱- مجسمه‌ساز (آبی، ۹۲: ۱۰-۱۲): هدف مجسمه‌ساز، به دست آوردن مقام بزرگ است. گیرنده: مجسمه‌ساز؛ فرشته: یاریگر است.
- ۴۲- پسر دانا (همان: ۲۰-۱۸): هدف پسر، ازدواج با دختر است. فرستنده: خان: گیرنده: پسر؛ یاری دهنده: دوستان؛ و بازدارنده خان است.
- ۴۳- زن و عزرائیل (همان: ۲۲-۲۵): هدف پسر ازدواج است. فرستنده: پیرزن؛ گیرنده: پسر؛ زن: یاریگر؛ و عزرائیل: بازدارنده است.

- ۴۴- مراد اقبال خوابیده (همان: ۲۹-۲۵): هدف مراد بیدار کردن اقبال و رسیدن به پول است. فرستنده: شخص در خواب گیرنده مار؛ اقبال مراد: یاریگر؛ و بی‌عقلی مراد: بازدارنده است.
- ۴۵- آبی که ریخت جمع نمی‌شود (همان: ۳۰-۲۹): هدف مرد؛ رفاقت است. فرستنده و گیرنده: پادشاه است. وزیر - زن پادشاه: بازدارنده هستند.
- ۴۶- تاجر (همان: ۳۳-۳۱): هدف تاجر، تاجر شدن است. گیرنده: تاجر؛ زن تاجر: یاریگر؛ و ساحر: بازدارنده است.
- ۴۷- ناهوو شهل (همان: ۴۷-۴۴): هدف مرد، به دست آوردن پول است. فرستنده: فقر؛ گیرنده: مرد؛ آهو: یاریگر؛ و گیاهان - جنگل - رودخانه: بازدارنده هستند.
- ۴۸- عروس و مادر شوهر (همان: ۵۸-۵۵): هدف پسر فهمیدن علت لاغر شدن همسر است. گیرنده دختر و بهلول یاریگر است.
- ۴۹- پیرزن (همان: ۶۱-۵۸): هدف مرد، هدف به دست آوردن دل زن است. گیرنده: پیرزن است.
- ۵۰- درویش (همان: ۸۲-۷۵): هدف درویش، پیدا کردن دزدان خزانه‌ی پادشاه است. فرستنده: پادشاه؛ گیرنده: درویش و دزدان یاریگرند.
- ۵۱- شیشه چشم آدم (همان: ۸۲-۸۵): هدف پیرمرد، پرکردن شیشه و رفتن به خانه دختر است. فرستنده: کدخدا؛ گیرنده: مرد فقیر؛ و طمع: بازدارنده است.
- ۵۲- مه‌لگ مه‌حمده (همان: ۸۷-۸۵): هدف ملک محمد، فهمیدن معنی خواب است. گیرنده: ملگ محمد؛ و مرد دانا: یاریگر است.
- ۵۳- ماه و خورشید و آسمان (همان: ۹۶-۹۴): هدف پسر به دست آوردن اموال از دست رفته پادشاه است. فرستنده: دختر پادشاه؛ و گیرنده: پادشاه است.
- ۵۴- قسه‌ی شای ماران (منصوری مقدم، ۱۳۹۸: ۱۹-۱۷): هدف تاماسپ، آوردن شای ماران برای وزیر است. فرستنده: وزیر؛ گیرنده: پادشاه؛ و تاماسپ و شاماران: یاریگر است.
- ۵۵- نشانی گنج (همان: ۲۲-۲۰): هدف مرد، پیدا کردن کار و تأمین مخارج زندگی است. فرستنده: زن اول گیرنده: زن دوم؛ یاری دهنده: کلاغ؛ و بازدارنده: زن اول است.
- ۵۶- ارزش رفاقت (همان: ۴۸-۵۰): هدف پدر، اثبات به پسرش این‌که دوستان واقعی ندارد. گیرنده: پسر؛ و یاریگر: دوستان هستند.
- ۵۷- درخت آلو (همان: ۵۲-۵۰): هدف مرد، به دست آوردن پول است. فرستنده: فقر؛ گنجشک: یاریگر؛ و طمع مرد: بازدارنده است.
- ۵۸- پسر یتیم (همان: ۵۲): هدف پسر، نباریدن باران به خاطر نداشتن کفش است. گیرنده: پسر؛ و یاری دهنده: خداست.
- ۵۹- حج چه کسی مقبول است؟ (همان: ۵۴-۵۳): هدف عروس مرد ثروتمند، کمک به فقیر است. گیرنده: زن فقیر؛ و بازدارنده: پدر شوهر است.

- ۶۰- شوان و مار(همان: ۵۷-۵۵): هدف مرد، بردن بزها به چرا و کسب پول است. گیرنده: مرد؛ و مرد: یاریگر است.
- ۶۱- دالگ عه‌باسه(همان: ۶۰-۵۹): هدف عباسه، فهمیدن علت پرسش های مادر است. مرد دانا: یاریگر است.
- ۶۲- مهمانی باد و باران و آفتاب (همان: ۶۲-۶۱): هدف باد، کمک به مرد است. گیرنده: مرد ثروتمند؛ و بازدارنده: باران و آفتاب هستند.
- ۶۳- کور که‌چه‌ل (همان: ۶۰-۵۹): هدف کور کچل، ازدواج با دختر پادشاه چین است. فرستنده: عشق؛ گیرنده: کور کچل؛ مرد دانا: یاریگر؛ و پادشاه - کوسه‌ها - پهلوان کشور همسایه: بازدارنده هستند.
- ۶۴- ئبگه ته‌مهل (همان: ۸۳-۷۹): هدف ابگه، پیدا کردن کاری برای امرار معاش است. فرستنده: زن ابگه؛ گیرنده: زن ابگه و ابگه؛ یاری دهنده: ماهیان و بازدارنده مرد است.
- ۶۵- تیتان و میتان (همان: ۸۵-۸۳): هدف بز، نجات فرزندان است. گیرنده: تیتان و میتان؛ آهنگر: یاریگر؛ و گرگ: بازدارنده است.
- ۶۶- باخه‌وان، باخت خوریا! (همان: ۸۷-۸۵): هدف روباه، خوردن انجیر از باغ است. گیرنده: روباه؛ و باغبان: بازدارنده است.
- ۶۷- روزی از جانب خداست (همان: ۸۸-۸۷): هدف زن بیوه، سیر کردن شکم بچه‌ها است. گیرنده: بچه‌های زن؛ و دزدان: یاریگرند.
- ۶۸- مرد انجیرفروش (همان: ۹۹-۹۳): هدف پسر، پیدا کردن انگشتر و نجات پدر از فقر است. گیرنده: پدر و مادر؛ یاریگر: انجیر و اب چشمه؛ و بازدارنده: دختر پادشاه هستند.
- ۶۹- خوبی بکن و در دریا انداز (همان: ۹۹): هدف پسر، به دست آوردن پول و غذا است. گیرنده: پدر و مادر؛ یاریگر: تاجر است.
- ۷۰- ئه‌ر که‌م بکه‌م ئیقه؛ ئه‌ر فره بکه‌ی ئیقه (همان: ۱۰۲): هدف مرد، پرسیدن سؤال (رای درست کردن خمیر چقدر باید نمک اضافه کنیم؟). فرستنده: زن؛ فروشنده: یاریگر؛ و کشاورزان: بازدارنده هستند.
- ۷۱- مرد فقیر (همان: ۱۲۰-۱۱۶): هدف مرد فقیر، لاغر است.
- ۷۲- رسق بریاگ (همان: ۱۲۵-۱۲۲): هدف رسق بریاگ، به دست آوردن پول و بیدار کردن اقبال است. فرستنده: فرشته‌ی نجات، گیرنده: رسق بریاگ؛ مار سیاه: یاریگر؛ و طمع رسق بریاگ: بازدارنده است.
- ۷۳- کیسه‌ل و رپووا (همان: ۱۲۶-۱۲۵): هدف لاک‌پشت، بردن تمام گندم‌ها است. گیرنده: لاک‌پشت؛ و بازدارنده: روباه است.
- ۷۴- مرد ماسه‌فروش و زن بداخلاق (همان: ۱۳۵-۱۳۱): هدف مرد، به دست آوردن پول است. فرستنده: پادشاه؛ گیرنده: مرد؛ و یاری دهنده: اژدها است.
- ۷۵- کور گاو (همان: ۱۴۷-۱۳۸): هدف پسر، به دست آوردن پول است. گیرنده: پسر؛ یاری دهنده: دختر؛ و بازدارنده: دزدان هستند.

- ۷۶- توانایی فوق‌العاده پسر گاوچران (همان: ۱۵۴-۱۴۷): هدف پسر گاوآن، به دست آوردن پول است. فرستنده: ساحر؛ گیرنده: پسر گاوآن؛ یاریگر: دختر ساحر؛ و ساحر: بازدارنده است.
- ۷۷- خریزه (همان: ۱۵۴-۱۵۵): هدف مرد شکارچی، نجات ازدها است. گیرنده: ازدهاست.
- ۷۸- بالؤل دانا (همان: ۱۵۶-۱۵۵): هدف وزیر، امتحان کردن حرف بهلول است. گیرنده: وزیر؛ یاری دهنده زن: پادشاه، دوست وزیر است.
- ۷۹- دارساز و راز (همان: ۱۶۲-۱۵۷): هدف پسر، به دست آوردن درخت ساز و راز است. فرستنده: زن؛ گیرنده: حضرت خضر و پسر؛ حضرت خضر: یاریگر؛ و دیو: بازدارنده است.
- ۸۰- قصه پادشاه دقیانوس (همان: ۱۷۶-۱۷۳): هدف مرد فقیر، تهیه غذا برای بچه‌ها و برآوردن شرط پادشاه است. فرستنده: فقر؛ گیرنده: زن؛ پهلوان شهر: یاری دهنده؛ و بازدارنده: پادشاه است.
- ۸۱- نخودی (همان: ۱۷۷-۱۷۶): هدف نخودی، رفتن پیش پادشاه و به دست آوردن پول است. گیرنده: نخودی؛ گرگ و روباه: یاریگر؛ و پادشاه: بازدارنده است.
- ۸۲- راه و نیم‌راه (همان: ۱۹۲-۱۸۵): هدف راه، پولدار شدن است. فرستنده: فقر؛ گیرنده: دختر پادشاه؛ و راه، گرگ، یر، ببر و چوپان: یاریگر؛ و نیم‌راه: بازدارنده است.
- ۸۳- مه‌لگ‌مه‌حمده (همان: ۱۹۷-۱۹۲): هدف ملک محمد، انتقام از خواهر و دیو است. فرستنده: ندارد؛ گیرنده: ملک است؛ میرغضب: یاریگر؛ و دیو: بازدارنده است.
- ۸۴- کار بد و خوب (همان: ۱۹۷): هدف مرد، نجات از مرگ است. گیرنده: مرد؛ روباه: یاریگر؛ و مار: درخت انجیر و چشمه: بازدارنده هستند.
- ۸۵- شاریار و هفت داری‌هنگ‌ور (همان: ۲۰۴-۲۰۲): هدف شاریار، نجات انگورها است. گیرنده: شاریار؛ پیرزن: یاریگر؛ و مور: بازدارنده است.
- ۸۶- عاقبت به خیری یا پند و اندرز (همان: ۲۰۶-۲۰۴): هدف پسر، به دست آوردن پول است. فرستنده: دختر؛ گیرنده: پسر؛ پندفروش: یاریگر؛ و دیو: بازدارنده است.
- ۸۷- دختر زیبا (همان: ۲۱۷-۲۱۲): هدف دخترزیبا، به دست آوردن پول است. گیرنده: پسر جوان؛ و بازدارنده: دخترکچل است.
- ۸۸- حیات خاس و پاتشا (همان: ۲۲۲): هدف حیات خاص، ازدواج با دختر پادشاه است. فرستنده: عشق؛ گیرنده: حیات خاص؛ پیرمرد: یاریگر؛ و پادشاه: بازدارنده است.
- ۸۹- چرا ماهی می‌خندید؟ (همان: ۲۳۷-۲۳۰): هدف میرزا، زنده ماندن از دست توطئه گلنار است. فرستنده: پادشاه؛ گیرنده: میرزا؛ وزیر: یاریگر؛ و گلنار: بازدارنده است.
- ۹۰- بهلول دانا و خلیفه بغداد (همان: ۲۴۲-۲۳۷): هدف بهلول، اثبات بی‌گناهی خود به خاطر تهمت زن خلیفه. گیرنده: خلیفه؛ پیرمردهای صد ساله، دویست ساله و سیصد ساله: یاریگر؛ و زن خلیفه: بازدارنده است.

- ۹۱- مکر زنان (همان: ۲۴۳-۲۴۷): هدف وزیر، فهمیدن این که زنان، مکارترند یا مردان؟ به دستور پادشاه است. فرستنده: پادشاه؛ گیرنده: وزیر؛ فدان: یاریگر؛ و همسر فدان: بازدارنده است.
- ۹۲- هفتاد و هفت در (همان: ۲۴۷-۲۴۹): هدف پسر کچل، ازدواج با دختر پادشاه است و رفتن و شمردن درهای غار. فرستنده: پادشاه؛ گیرنده: پسر کچل، خواهر: یاریگر؛ و دیو: بازدارنده است.
- ۹۳- طمع (همان: ۲۵۷-۲۵۸): هدف مرد فقیر، به دست آوردن شمش طلا است. گیرنده: سه مرد؛ پیامبر: یاریگر؛ و سه مرد: بازدارنده هستند.
- ۹۴- عاقبت به خیری (همان: ۲۵۸-۲۶۲): هدف پسر، کسب پول حلال است. فرستنده: مادر؛ گیرنده: پسر، مار: یاریگر؛ و شط، بیوه زن: بازدارنده هستند.
- ۹۵- آهوی لنگ (همان: ۲۶۲): هدف مرد مومن، دعای کردن آمدن باران است. فرستنده: مردم روستا؛ گیرنده: آهو؛ مردم و آهو لنگ: یاریگر است.
- ۹۶- شاهزاده و گدا (همان: ۲۶۵): هدف شاهزاده، رسیدن به دختر گدا و وصال به معشوق است. فرستنده: عشق؛ گیرنده: دختر و پسر؛ قاضی: یاریگر؛ و پادشاه: بازدارنده است.
- ۹۷- زورآزمایی خورشید و باد (همان: ۲۷۱): هدف خورشید، زورآزمایی با باد است. گیرنده: خورشید؛ و بازدارنده: باد است.
- ۹۸- آه سرد (همان: ۲۷۲-۲۷۷): هدف مرد؛ نجات زن از دست شیخ است. فرستنده: پدر زن؛ گیرنده: مرد؛ گفتار: یاریگر؛ و شیخ و همسرش: بازدارنده هستند.
- ۹۹- خاولی (همان: ۲۷۷-۲۷۸): هدف خاولی، به دست آوردن پول است، گیرنده: خاولی؛ و زن همسایه: یاریگر است.
- ۱۰۰- پسر کچل (همان: ۲۷۸-۲۷۹): هدف پسر کچل، تأمین غذای زمستان است. فرستنده: زن؛ و گیرنده: همسایه‌ها هستند.
- ۱۰۱- منصور و طایشه (همان: ۲۸۶-۲۹۰): هدف طایشه، به دست آوردن تاج و تخت پادشاهی پدر و انتقام از منصور است. فرستنده: مادر؛ گیرنده: طایشه؛ دوستان، مردم شهر، مادر: یاریگر؛ و منصور: بازدارنده است.
- ۱۰۲- مثل دزد و پادشاه (همان: ۲۹۸-۲۹۴): هدف علی، رفتن به دزدی است. گیرنده: علی؛ و دختر پادشاه: بازدارنده است.
- ۱۰۳- پیرزن و حسن کچل (همان: ۳۰۱-۲۹۸): هدف حسن کچل، پیدا کردن کار و تأمین مخارج است. فرستنده: مادر حسن کچل؛ گیرنده: حسن کچل؛ لاک‌پشت: یاریگر؛ و دیو: بازدارنده است.
- ۱۰۴- بهلول دانا (همان: ۳۱۱-۳۰۹): هدف مرد، نجات جان خود از مجلس مأمون است. فرستنده: مأمون؛ و گیرنده: مرد؛ بهلول: یاریگر؛ و وزیر: بازدارنده است.
- ۱۰۵- درباره بی وفایی زن (همان: ۳۲۷-۳۲۴): هدف مرد، ازدواج با دختر پادشاه است. پادشاه: فرستنده؛ همه حیوانات به جز عقاب: یاریگرند؛ و عقاب: بازدارنده است.
- ۱۰۶- نجس‌ترین چیز (همان: ۳۳۴-۳۳۳): هدف وزیر، پیدا کردن جواب پادشاه است. پادشاه: فرستنده؛ گیرنده: وزیر؛ چوپان: یاریگر؛ و طمع مرد: بازدارنده است.
- ۱۰۷- وزیر و شکارچی (همان: ۳۴۶): هدف مرد، تجارت است. مرد: گیرنده؛ کبوتر: یاریگر؛ و راهزنان: بازدارنده هستند.
- ۱۰۸- مثل دیو پیماگ (همان: ۳۴۹-۳۴۷): هدف مرد، به دست آوردن پول است و دیو: بازدارنده است.

- ۱۰۹- پای مه‌لۆچگی خوراک له‌شکه‌ریگه (همان: ۳۶۱-۳۵۵): هدف مرادعلی، به دست آوردن پول است. گیرنده: مرادعلی؛ و یاریگر: گنجشک است.
- ۱۱۰- پینامه و کلکا (همان: ۳۶۱-۳۶۶): هدف مراد، به دست آوردن پول است. فقر: فرستنده؛ گیرنده: مراد؛ و بزمجه: یاریگر است.
- ۱۱۱- عه‌سه‌ل کونه فیروزه‌ئی مه‌غار و ئاو کونه سوز چل بسمار (همان: ۳۶۶-۳۷۱): هدف طهماسب، پیدا کردن دوا برای مریضی فرزندش است. پیرزن حکیم: فرستنده؛ یک‌ه‌زا: گیرنده؛ خان روستا و پیرزن حکیم: یاریگر؛ و اژدها: بازدارنده است.
- ۱۱۲- وه‌زی‌ئی نیه‌زانی؛ شه‌نه‌پا بکه! (همان: ۳۷۱-۳۷۲): هدف سایه خان به دست آوردن نان حلال است. گیرنده: سایه خان؛ و ملانریمان: یاریگر است.
- ۱۱۳- روباه و لکلک (همان: ۳۷۶-۳۷۴): هدف لکلک، رهایی از دست روباه است. لکلک: گیرنده؛ یاریگر: کلاغ؛ و روباه: بازدارنده است.
- ۱۱۴- متل دختر و مادر شوهر (همان: ۳۷۹): هدف دختر: رهایی از مشکل با مادر شوهر است. دختر: گیرنده؛ مادر شوهر و حکیم: یاریگر است.
- ۱۱۵- متل قسمت (همان: ۳۸۱): هدف پسر: رفتن به شکار است. گیرنده: پسر؛ دختر: یاریگر؛ و حیوان عظیم‌الجثه: بازدارنده است.
- ۱۱۶- شیرین و فرهاد (همان: ۳۸۷-۳۸۲): هدف خسرو، از میان برداشتن فرهاد است. عشق: فرستنده؛ پیرزن: یاریگر؛ و بازدارنده: فرهاد است.
- ۱۱۷- پهلوان زبرچنگ (همان: ۴۱۳-۴۰۸): هدف زبرچنگ، به راه انداختن آسیاب است. مردم: گیرنده؛ و فرهاد: یاریگر است. سنگ‌تراشان بازدارنده هستند.
- ۱۱۸- مورچه‌های سلطان (همان: ۴۱۹-۴۱۳): هدف کاک مراد؛ دفع مورچه‌ها برای در امان ماندن محصول است. گیرنده: کاک مراد؛ و حکیم کیکاوس: یاریگر است.
- ۱۱۹- برده، غارت؛ و مرده، میرات! (همان: ۴۲۴-۴۱۹): هدف کیقباد، آشنایی با راه و رسم زندگی است. کیقباد: گیرنده؛ و کمرخان: یاریگر است.
- ۱۲۰- قسمت و نصیب (همان: ۴۲۸-۴۲۵): هدف شاه عباس، سر به نیست کردن دختر و جلوگیری از قسمت است. گیرنده: دختر؛ وزیر: یاریگر؛ و پیرزن و قسمت: بازدارنده هستند.
- ۱۲۱- چوپان خسته و پلنگ زخمی (همان: ۴۴۶-۴۴۱): هدف مامه، وزارت است. حاکم: فرستنده؛ مردم؛ مامه: گیرنده؛ لنگ: یاریگر است.
- ۱۲۲- مرد فقیر و کوزه طلا (همان: ۴۷۰-۴۶۸): هدف مرد فقیر، به دست آوردن پول است. فقر: فرستنده؛ گیرنده: زن؛ و برادرزن: بازدارنده هستند.

۱۲۳- کسب حلال (همان: ۴۷۳-۴۷۰): هدف مرد، به دست آوردن پول است. خانواده‌ی مرد: گیرنده؛ فرستنده: فقر؛ و مرد ثروتمند: یاریگر است.

۱۲۴- متل مادر شوهر و عروس چوبی (منصوری‌مقدم، ۱۳۹۸: ۴۷۷-۴۷۵): هدف پسر، ازدواج است. پسر: گیرنده؛ نجار: یاریگر؛ و مادر: بازدارنده است.

۱۲۵- دیو سفید (همان: ۴۸۲-۴۷۹): دختر برای فرار از دست دیو، دست به اقدام می‌زند. دختر: گیرنده؛ پری: یاریگر؛ و دیو: بازدارنده است.

۱۲۶- ملک جمشید (همان: ۴۸۹-۴۸۲): ملک جمشید برای پیدا کردن ثروت و دوای بیماری پدرش می‌رود. برادر بزرگ: فرستنده؛ پدر: گیرنده؛ زن قمار، دختر شاه پریان، خواهرش و سیمرخ: یاریگرند؛ و دیو، برادران و نهنگ: بازدارنده هستند.

۱۲۷- زن شیطان (همان: ۴۹۸-۴۹۵): شکارچی برای فهمیدن شیطان بودن همسر می‌رود. فرستنده و یاری دهنده: زالزالک فروش؛ و گیرنده: شکارچی است.

۲-۵- دسته‌بندی قصه‌ها

اساس نظریه گریماس بر تقابل‌های دوگانه استوار است:

۱- فاعل / هدف

۲- فرستنده / گیرنده

۳- یاریگر / رقیب

فاعل قهرمان اصلی و هسته داستان است. مفعول یا هدف مطلوب، فاعل را به دنبال خود می‌برد. کنش پیش‌برنده داستان بر عهده این دو نقش محوری است. برای این‌که به دسته‌بندی منسجمی از حضور کنشگرها در پنج کتاب متل‌های کردی برسیم، می‌توانیم آن‌ها را در ۱۳ گروه قرار دهیم:

۱- حضور همه کنشگرها: ملک جمشید، فرشته آگرین، اسپ لیوه، طلا و بلا/ دختر کلاغ، سکنه، کچلک، هفت برادر، دیو و دلبر، صبر، خاله خاتون، فقیری که پادشاه شد، دیو بدجنس و دختر شجاع، فرخ لقا، چهل گیسو، برزو، پسر دانا، زن و عزایل، مراد اقبال خوابیده، آهو شهل، نشانی گنج، کور که‌چهل، ابگه ته‌مه‌ل، بهلول دانا، رسق بریاگ، توانایی فوق‌العاده پسر گاو چران، دار ساز وراز، قصه پادشاه دقیانوس، راه و نیم راه، عاقبت به خیری یا پند و اندرز، حیات خاص و پادشاه، چرا ماهی می‌خندد، مکر زنان، هفتاد و هفت در، عاقبت به خیری، شاهزاده و گدا، آه سرد، منصور و طایشه، پیرزن و حسن کچل، غسل کونه فیروزه و مغار و آب کنه سو چل بسمار، ملک جمشید.

۲- فرستنده غایب: میشی که شغال را گول زد، معلم و کشاورز، گوهرخانم، دیو و دختر ساده‌لوح، دندان طلائی، سلیم، تاجر، پیرزن، تیتان و میتان، مرد انجیرفروش، کور گاوان، نخودی، ملک محمد، وزیر و شکارچی، روباه و لک، لک، متل قسمت، پهلوان زبرچنگ، قسمت و نصیب، متل مادر شوهر چوبی، دیو سفید، کارخوب و بد، شاریار و هفت انگور، بهلول دانا و خلیفه، طمع.

۳- رقیب غایب: پیرزن و گربه، روباه و فرجی، گل قهقهه، درویش، قصه شای ماران، مرد ماسه فروش و زن بد اخلاق، آهوی لنگ، نجس ترین چیز، پینامه و کلکا، چوپان خسته و پلنگ زخمی، کسب حلال، زن شیطان.

۴- یاری دهنده غایب: آبی که ریخت جمع نمی‌شود، شیشه‌ی چشم آدم، ملک محمد، آه سرد، مرد فقیر و کوزه طل.

۵- گیرنده غایب: درباره بی وفایی زن، درخت آلو، هلکوت بکوت، شیرین و فرهاد، نه کهم بکه‌ی نه‌ی قهره؛ نه فره بکه‌ی نه‌ی قهره.

۶- فرستنده و رقیب هر دو غایب: مرخله، میر غضب، نریمان و سالار، زهر شیرین، دارکوب یک چشم، ملک محمد، ارزش رفاقت، پسر یتیم، چوپان و مار، یتیم خوش اقبال، مجسمه ساز، عروس و مادر شوهر، دالگ عباسه، روزی از جانب خدا، پای ملوچگی خوراک لشکرگه، ورزیری نیزی شنه پاباکه، دختر و مادر شوهر، مورچه های سلطان، برده غارت مرده میرات، روزی از جانب خداست، خوبی کن و در دجله انداز، بهلول دانا، خاوی.

۷- فرستنده و یاریگر غایب: روباه و لاک پشت، حج چه کسی قبول است، مهمانی باد و باران، دختر زیبا، زور آزمایی باد و خورشید، متل دزد و پادشاه، متل دختر و مادر شوهر، باغبان باخد خوریا.

۸- فرستنده و گیرنده غایب: شالان دالان، پادشاه و مرد دانا، احمد خارکش.

۹- یاری دهنده و بازدارنده غایب: عبدالله تنبل، شمک و برانازار، ماه و خورشید و آسمان، پسر کچل.

۱۰- گیرنده و یاری دهنده غایب: شیشه عمر آدم

۱۱- فرستنده، گیرنده و یاری دهنده غایب: شکارچی اژدها، ملک محمد، متل دیو و پیاک.

۱۲- فرستنده، گیرنده و بازدارنده: چوپان و مار، مرد فقیر، دالگ عباسه.

۱۳- فرستنده، یاری دهنده و بازدارنده غایب: نامدار، خرزیه.

در بررسی ۱۳ گروه به این نتیجه می‌رسیم که در ۴۱ متل همه کنشگران حضور دارند (۳۲٪)؛ در ۲۴ متل، فرستنده غایب است (۱۸٪)؛ در ۱۲ متل بازدارنده غایب است (۹٪)؛ در ۵ متل یاری دهنده غایب است (۳٪)؛ در ۵ متل گیرنده غایب است (۳٪)؛ در ۲۳ متل فرستنده و بازدارنده غایب (۱۸٪)؛ در ۸ متل فرستنده و یاری دهنده غایب (۶٪)؛ در ۳ متل فرستنده و گیرنده غایب (۲٪)؛ در ۴ متل یاری دهنده و بازدارنده غایب (۳٪)؛ در ۱ متل گیرنده و یاری دهنده غایب (۰/۷۸)؛ در ۳ متل فرستنده، گیرنده و یاری دهنده غایب (۲٪)؛ در ۳ متل فرستنده، گیرنده و بازدارنده غایب (۲٪)؛ در ۲ متل فرستنده، یاری دهنده و بازدارنده غایب (۱٪). از نظر بسامد (فاعل/هدف) پرکارترین کنشگرها هستند که در همه ۱۲۷ داستان حضور دارند. از میان کنشگرهای دیگر، فرستنده کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است؛ زیرا ۶۰ متل فاقد این کنشگر هستند. ۸۰ درصد قهرمانان متل‌ها، مرد هستند و ۱۱ درصد آن زن، ۶ درصد حیوانات و ۱ درصد مخلوقات هستند.

۶- نتیجه‌گیری

از میان نظریه‌های روایت‌شناسی، نظریه گریماس، با روح قصه‌ها و متلهای کردی سازگار است. بنمایه‌های زنجیره‌ای مکرر در داستان‌ها، نشانه‌ی روابط شخصیت‌هاست که نظم ساختاری-روایی مشترک داستان‌ها را آشکار می‌کند.

کنشگرهای دوگانه‌های گریماس، بیانگر کنش‌ها و نقش‌های تقابلی متل‌های کردی است. بر این اساس، هر روایت بر پایه جفت‌های متقابل زیربنایی معنا می‌یابد. متل‌های کردی ایلامی از نظر وجود و عدم وجود کنشگرهای مورد نظر گریماس، در سیزده گروه جای می‌گیرند. در بیشتر داستان‌ها، هر شش کنشگر حضور دارند و در برخی، یک یا دو یا سه کنشگر غایب هستند و همچنین زنجیره‌های روایی در اکثر متل‌ها وجود دارد. از شش کنشگر گریماس، فاعل و هدف در همه داستان‌ها حاضرند. فرستنده کم بسامدترین شخصیت این داستان‌ها است. با توجه به ساختار قصه‌ها، شخصیت‌ها از تنوع کنش و عملکرد برخوردارند. در برخی از داستان‌ها، یک کنشگر چند نقش را برعهده می‌گیرد. قهرمان داستان را می‌توان از نظر نوع در چهار گروه دسته‌بندی کرد. مرد بیشترین بسامد و پدیده‌های زمینی، کمترین کاربرد را دارند. سه زنجیره‌ی روایی اجرایی، میثاقی و انفصالی در ۷۵ درصد متل‌ها وجود دارد. از این پژوهش، می‌توان به اهمیت نظریه گریماس و امکان بررسی و تطبیق آن با متل‌های کردی ایلام اشاره کرد. متل‌های کردی ایلامی برخلاف سادگی در مفهوم و ظاهر، از الگوی ساختاری و روایی مناسبی برخوردار هستند و در قالب نظریه‌های روایت‌شناسی، قابل بررسی می‌باشند. وجود زنجیره‌های اجرایی، میثاقی و انفصالی، نشان‌دهنده وجود یک نظام پنهان و منسجم در این متل‌هاست. شش کنشگر گریماس، نشانگر وجود نقش‌های تقابلی در متل‌های کردی ایلامی است. در نمودارهای زیر وضعیت حضور یا عدم حضور کنشگران و قهرمانان نمایان شده است:

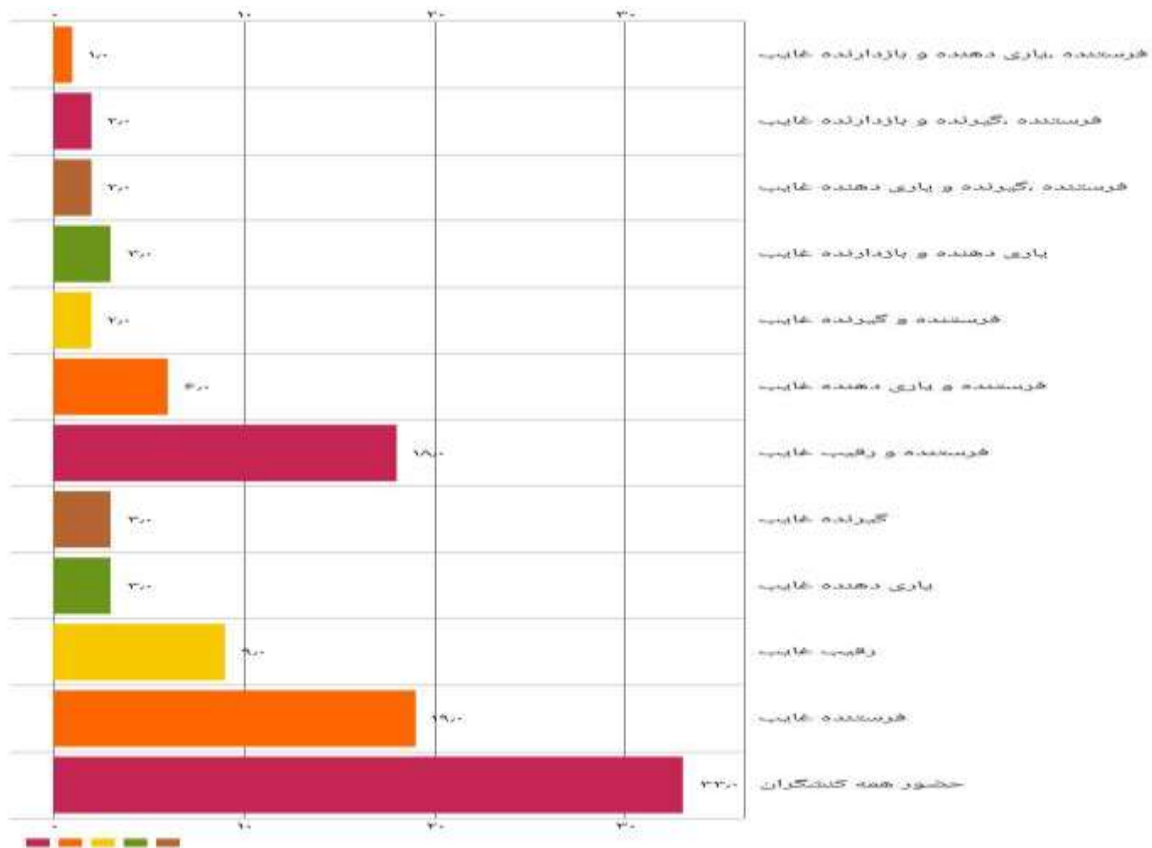
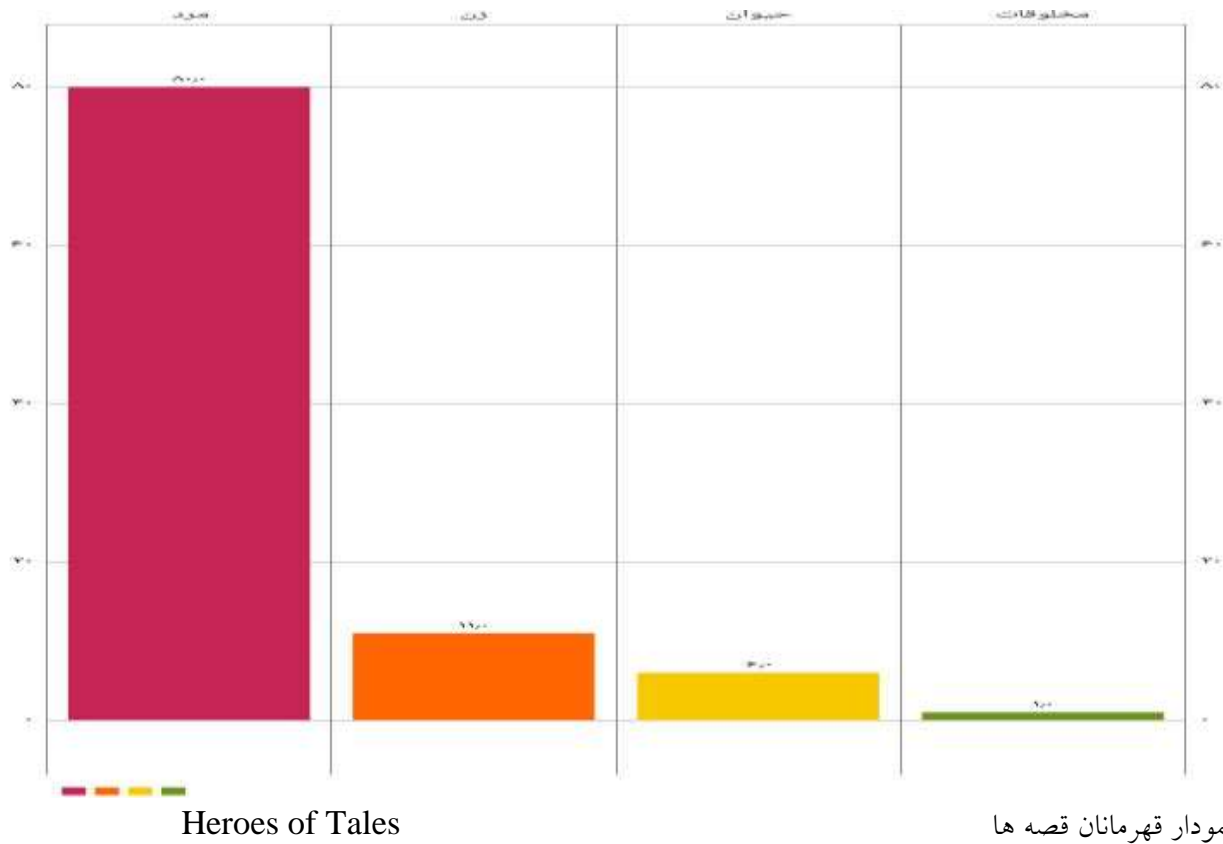


Chart of presence or absence of

نمودار حضور یا عدم حضور کنشگران
actors



Heroes of Tales

نمودار قهرمانان قصه‌ها

منابع

- آبی، رضا. (۱۳۹۳). شه‌وگار زمسانی. ایلام: انتشارات زاگرو.
- آذر، امیر اسماعیل. (۱۳۹۳). الهی‌نامه عطار در نظریه معناشناسی آلزیر گریمس و شکل‌شناسی ژرار ژنت، تهران: انتشارات سخن.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات. ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر آگه.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۸۶). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای، چ ۲، تهران: انتشارات توس.
- حسینی، سمیه. (۱۳۹۶). روزگار قصه‌ها مثل‌های کردی ایلامی. ایلام: انتشارات زانا.
- درپر، مریم و یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۹). «تحلیل روابط شخصیت‌ها در منظومه لیلی و مجنون نظامی». نشریه شعر پژوهی، دوره ۲، شماره ۳، صفحه ۶۵ - ۸۹.
- ساداتی، سیدشهاب‌الدین. (۱۳۸۷). «روایت‌شناسی داستان حسن کچل از دیدگاه پراپ، تودوروف و گریماس»، ماهنامه گلستان، اسفند شماره ۹۶، صص ۶۱-۵۷.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۳). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر قصه.
- سلدن، رامان و پیتر ویدوسون. (۱۳۹۷). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر بان.
- شوهانی، علیرضا و پروین پیکانی. (۱۳۹۵). «سیر ادبیات داستانی در ایلام». مجله فرهنگ ایلام، سال ۱۶، شماره ۵۰ و ۵۱.
- عزیزنیا، یوسف و همکاران. (۱۳۹۳). قصه‌های سرزمین میدیا. ایلام: انتشارات زاگرو.
- کاسی، فاطمه. (۱۳۸۷). «تحلیل ساختار داستان پادشاه سیاه پوش از منظر بارت و گریماس»، ادب‌پژوهی، دوره ۲، شماره ۵، صفحه ۱۸۳-۲۰۰.
- کریمی، شرافت و جمیل جعفری. (۱۳۹۸). «بررسی ساختاری داستان موسی و سنگتراشی در دیوان میرزا احمد داواشی». پژوهشنامه ادبیات کردی، سال ۵، شماره ۲، صص. ۳۵-۵۵.
- نیازی، فاطمه. (۱۳۹۴). «تحلیل داستان‌های کودکان بر مبنای نظریه گریماس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه قم.
- مشیدی، جلیل و راضیه آزاد. (۱۳۹۰). «الگوی کنشگر در برخی روایت‌های کلامی مثنوی معنوی بر اساس نظریه الگوی کنشگر گریماس»، نشریه متن‌شناسی ادب فارسی، دوره ۴۷، شماره ۳، صفحه ۳۵-۴۶.
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۵). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه م. مهاجر و م. نبوی. تهران: نشر آگه.
- منصوری مقدم، منصور. (۱۳۹۸). افسانه‌ها، داستان‌ها و مثل‌های کردی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدزاده، عباس. (۱۳۹۹). ده بان بال سیمرخ. ایلام: انتشارات ژ.